

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

انفجار سیاسی ناگزیر است؛

وحشی‌گری،

رژیم را نجات نخواهد داد

جمعه، ۲۴ اردیبهشت [ثور] ۸۹- سحرگاه روز یکشنبه این هفته، رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی، جنایت دیگری آفرید و ۵ زندانی سیاسی، فرزند کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان را تیرباران کرد. همراه با آن دادرسی عمومی ارتجاع اسلامی برای توجیه این اقدام وحشیانه، بیانیهای انتشار داد، با اتهاماتی که جعلی بودن آنها کاملاً آشکار بود.

بیانیه دستگاه آدمکشی جمهوری اسلامی، داستان سر هم بندی شده جعلی وزارت اطلاعات را به عنوان اتهام فرزند کمانگر، معلم روستاهای کامیاران، علی حیدریان و فرهاد وکیلی به این شرح اعلام می‌کند: در ۲۸ مرداد سال ۸۵، عوامل تجسس کلانتری ۱۱۶ مولوی حین گشت‌زنی به دو نفر که در کنار یک دستگاه خودرو پیکان ایستاده بودند، مظنون می‌شوند، از خودروی مذکور ۵ کیلو مواد منفجره کشف می‌گردد. در پی آن فرزند کمانگر دستگیر می‌شود که هر گونه اتهامی را در این مورد رد می‌کند، اما حسب بررسی‌های به عمل آمده یکی از برادران فرزند کمانگر در سلیمانیه فعالیت حزبی می‌کند. بعد هم پرونده‌سازی وزارت اطلاعات و دستگاه قضائی رژیم برای این که اتهامات را خیلی جدی جلوه دهد، می‌افزاید: مواد منفجره مکشوفه از متهمان شامل ده کیلو حین دستگیری و دوازده کیلو به همراه یا نزد آنها، ده عدد چاشنی انفجاری، دو قبضه نارنجک جنگی، ۵۷ گلوله آر پی جی و غیره بوده است.

تنها ذکر همین موارد از همان آغاز گزارش دادرسی عمومی ارتجاع اسلامی به وضوح جعلی بودن تمام داستان را نشان می‌دهد. توجه کنید! به ادعای دستگاه آدمکشی جمهوری اسلامی، دو نفر که در خودروی آنها مواد منفجره است، در کنار این خودرو می‌ایستند. مأموران تجسس رژیم به آنها مشکوک می‌شوند. در زیر صندلی پیکان آنها مواد منفجره کشف می‌شود. بعد از دستگیری آنها، فرزند کمانگر دستگیر می‌شود و پرونده‌سازی با کشف انبوهی

از سلاح و مهمات به پایان می‌رسد. هر آدم ناآگاهی هم می‌فهمد که این ادعاهای رژیم تا چه حد جعلی است. چون آن‌هایی که در درون ماشین‌شان مواد منفجره است، در کنار آن ماشین نمی‌ایستند که مأموران رژیم به حسب اتفاق از آن جا عبور کنند و مشکوک شوند، خودرو را مورد تجسس قرار دهند، مواد منفجره را کشف و آن‌ها را صاف و ساده دستگیر کنند. این ادعاها از همان نمونه پرونده‌سازی‌های بی‌شمار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است که کار روزمره این وزارتخانه شکنجه، جاسوسی و کشتار است. اتهامات اعلام شده شیرین علم هولی نیز همراه با همین شکل پرونده‌سازی است که گویا بمبی در پارکینگ قرارگاه سپاه منفجر می‌کند. کی و کجا و چگونه دستگیر می‌شود معلوم نیست، اما این گزارش می‌افزاید که در کیف وی چند متر سیم برق، چهار عدد باتری بزرگ، یک اهم‌تر، چسب شیشه‌ای، ریموت کنترل انفجاری و وسایل دیگری کشف شده است. اما اتهام مهدی اسلامیان هم در گزارش دادسرای عمومی رژیم به این شرح اعلام می‌شود که قصد داشته به فرار برادرش که در انفجار شیراز دست داشته، کمک کند، بنابراین همین اقدام، مشارکت در بمب‌گذاری است و به همین اتهام اعدام می‌شود. این دیگر فقط پرونده‌سازی نیست، بلکه یک آدم‌کشی رسوای حکومتی است. یک نفر را به این اتهام که قصد داشته به فرار برادرش کمک کند، به اتهام مشارکت در بمب‌گذاری به اعدام محکوم می‌کنند. اما پیش از آن که هدف جمهوری اسلامی را از اعدام این ۵ زندانی سیاسی مورد بررسی قرار دهیم، چرا بیانیه دادسرای جمهوری اسلامی در توجیه این اقدام وحشیانه خود، همه آن‌ها را متهم به بمب‌گذاری کرده است. در وهله نخست ترس از عواقب بین‌المللی اقدام جنایتکارانه کشتار ۵ زندانی سیاسی است. به ویژه از مدت‌ها پیش سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و سازمان‌های سیاسی ایرانی که از اتهامات جعلی علیه فرزند کمانگر آگاه بودند، به این مسأله ابعاد بین‌المللی دادند و خواهان آزادی وی شدند. جمهوری اسلامی با زدن اتهام بمب‌گذاری به اعدام‌شدگان در واقع هدفش مقابله با عواقب بین‌المللی این اعدام‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان‌های بین‌المللی و در محدوده دولت‌های دیگر بوده است. هدف دیگر بیانیه دادسرا که بیش‌تر جنبه داخلی دارد این است که بگوید با هر کس که مخالفتش با رژیم، سرنگونی آن باشد، بی‌رحمانه برخورد خواهد کرد. بیانیه دستگاه قضائی آدم‌کش جمهوری اسلامی در واقع این دو هدف داخلی و خارجی را دنبال می‌کند. اما هدف از خود این اعدام چیست؟ این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که حیات حکومت اسلامی با کشتار مخالفان سیاسی عجین است. تا به امروز نیز هزاران تن از مردم ایران را با اتهامات سیاسی به جوخه اعدام سپرده‌اند. اما اعدام این ۵ زندانی سیاسی در لحظه کنونی، نشان‌دهنده هراس جمهوری اسلامی از گسترش اعتراضات، به ویژه در سال جاری است. مبارزات توده‌های مردم ایران در طول یک سال گذشته، آشکارا رشد نارضایتی و اعتراض نسبت به رژیم حاکم بر ایران را نشان داده است. بحران‌های متعددی سر تا پای رژیم را فرا گرفته است. رژیم هیچ راه حلی برای این بحران‌ها ندارد. لذا وضعیت داخلی و بین‌المللی‌اش مدام وخیم‌تر می‌شود. چشم‌انداز وخیم‌تر شدن این بحران‌ها در طول سال جاری و در نتیجه رشد و اعتلای مبارزات توده‌های مردم ایران، سران رژیم را در هراس مرگباری قرار داده است. آن‌ها تنها راهی که برای ادامه حیات جمهوری اسلامی در مقابل خود می‌بینند، تشدید اختناق، سرکوب و کشتار است، تا شاید بدین طریق توده‌های مردم را مرعوب و به سکوت وادارند. خرداد ماه و سالروز آغاز موج نوین مبارزات توده‌ئی در پیش است. برنامه اقتصادی دولت برای مقابله با ورشکستگی مالی دولت از طریق چپاول توده مردم، افزایش بهای کالاها، افزایش مالیات‌های غیر مستقیم در پیش است. تحریم‌های بین‌المللی جدید و تاثیر آن بر عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی در پیش است. تمام این موارد به نحوی ارتباط پیدا می‌کند با رشد نارضایتی توده‌ئی و گسترش اعتراضات. جمهوری اسلامی برای مقابله با این اوضاع، از هم اکنون بر دامنه اختناق، کشتار و وحشی‌گری خود افزوده است. اعدام ۵ زندانی سیاسی نیز با

همین هدف به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه و تلاش برای مرعوب ساختن مردم و کنترل مبارزات آن‌هاست. اما بحران‌هایی که رژیم با آن‌ها رو به روست، عمیق‌تر از آن هستند که این تشدید وحشی‌گری‌های رژیم بتواند آن‌گونه که برخی سران جمهوری اسلامی می‌خواهند، تاثیر داشته باشد.

تجربه مبارزات مردم در طول یک سال گذشته نیز همین واقعیت را نشان داده است. آن عوامل عینی که توده‌های مردم را به صحنه مبارزه سوق می‌دهند، بسیار قدرتمندتر از ابزارهایی هستند که جمهوری اسلامی برای بازداشتن مردم از مبارزه به کار گرفته است. اعدام وحشیانه ۵ زندانی سیاسی نیز کمکی به نجات رژیم نخواهد کرد. انفجار سیاسی، حتمی و ناگزیر است.